

هشدار جدی به مردم ایران...

هم میهنان گرامی، نامه پیوست را تحت عنوان «نامه سرگشاده بحضور شاهزاده رضاپهلوی» یکسال قبل نوشته و حضور شاهزاده رضاپهلوی فرستادم، گواینکه انتظار جواب یا جبران اشتباہات گذشته شان را نداشم ولی فکر میکردم که تذکر خیرخواهانه و ایراندوستانه من و امثال من باعث جلگیری از تکرار اشتباہات بشود، ولی بنایه اصطلاح معروف:

گوش اگرگوش تو و ناله اگرناله مالاست آنچه بتنه بجاتی نرسد فرید است بدین تنه و شور بختانه همان طوری که یکسال قبل پیش بینی کرده بودم چندماه قبل با نظر و تائید شاهزاده رضاپهلوی کمیته ای مرکب از عوامل جمهوری اسلامی و باستگان جنبش سبزمذهبی و تمایندگان اصلاح طلبان و چند نفر گمنام و یابدنام تشکیل و اقدام بصدور منشوری برای تشکیل شورای ملی شد، احتمالاً عده ای از ایرانیان که در فکر نجات کشورشان هستند بادقت و هوشیاری چنین مسائلی را تعقیب میکنند و بخوبی میدانند که منشور مفচح صادر شده بعد از چندین بار متنلاً اصلاح شدن منتشر شد!! صرف نظر از مطالب غیر ضروری و تکراری، تهیه کنندگان مفترض منشور بدون ذکری از برآندازی حکومت جمهوری اسلامی خواهان انجام انتخابات آزاد در زمان حیات جمهوری اسلامی هستند، یعنی اجرای طرح رفراندوم سازگاری برای بقاء و مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی !!، وبا خواستار حکومت غیر متمرکز شده اند، یعنی تشکیل حکومت های منطقه ای و عملأ تجزیه ایران !!.

چون در باره تشکیل دهنده ای کمیته و منشور برای تشکیل شورای ملی طی چندماه گذشته مقالاتی تحت عنوان «سالی که نکوست از بهارش پیدا است» و «علاج فاسدیه افسد» و «ایران در پرستگاه تجزیه و سقوط» را منتشر کرده ام از افتضاح کمیته و منشور چیزی نمیتویسم، ولی این هشدار جدی را به هم میهنان میدهم که کشورمان در پرستگاه تجزیه و سقوط قرار گرفته، جمهوری پلید اسلامی برای نجات و بقاء خود به هر حیله ای متول میشود تا از همبستگی و خیزش همگانی ملت ایران جلوگیری یکند، ملت ایران باید به امید ادامه دادگی بی و با این نوع افراد و شورا سازی ها باشد، تنها خود ملت ایران است که بالتحاد تمام نیروهای داخلی و خارجی و خیزش همگانی میتواند کشور را زاینده خطرات برهاند.

نامه سرگشاده بحضور شاهزاده رضاپهلوی با درود، به استحضار تاریخ می رسانم، سی و سه سال قبل طرح برآندازی رژیم پادشاهی پهلوی از طرف انگلیس و اسرائیل تهیه و بایه همکاری گرفتن امریکا و با در اختیار داشتن عوامل مزدورو خان از قبل فدائیان و مجاهدین خلق، کمونیست ها، کندراسیون های دانشجویی ساخته شده از طرف دول غربی، عده کثیری از افراد عامی و جاهل که سال هایه نام دین شستشوی مغزی شده و عده ای فریب خورده (یوسیله افرادی چون بازرگان و سنجابی و بنی صدرها وغیره)، خمینی ملعون ریا کار را نماینده خدا و مجری دستورات امام زمان دانسته و کورکورانه و بدون کوچکترین تعقلی دنیا او و یک عده آخوند شیاد و قاتل و غارتگر برای به آتش کشیدن کشور شان و تیشه به ریشه هست و نیست خود زدن به راه افتادند.

ادامه دارد...

هشدار جدی به ملت ایران

بعدازمذت کمی که گذشت و آخوندهایه تمام آن مملکت و ملت مسلط شدند، شروع به قتل و غارت و ازبین بردن آزادی های فردی و اجتماعی، حیثیت و اعتبار، تاریخ و تمدن یک ملت باستانی کردند، عملأ حمله ۱۴۰۰ سال قبل تازیان را بصورت حمله دوم شروع و تکمیل کردند!! در اثر این حمله تازیانه و وحشیانه در حدودسی و سه سال است که هفتادمیلیون نفر نفوس ایرانی را در داخل بصورت اسپیروچندری میلیون نفر راه فراری و بصورت آواره در کشورهای خارج سرگردان کرده اند، بدون اغراق چنین فاجعه ای و چنین اسارت و آوارگی تاکنون در تاریخ هیچ ملتی رخ نداده. آقای شاهزاده رضا پهلوی، من هم مثل میلیون ها ایرانی وطن ازدست داده، سی و سه سال است که درجهت نجات ایران و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن باهمه افراد و گروه های ملی همکاری داشتم، بدختانه چون این حرکت ها هر کدام باداشتن مردم و راه و روش خاص خود بصورت فردی و جداگانه انجام می شد، جوابگوی تشکیل یک نیروی بزرگ ملی نبود، خود شما هم با رها اظهار نموده ایدکه برای نجات ایران همکاری و اتحاد همه گروه های ملی با یکدیگر لازم است، چون طی چند سال فعالیت سیاسی عده ای از اندیشمندان و رهبران فکری جامعه هم به این توجه رسیده بودند که تنها راه نجات ایران از دست یک عدد افراد خیانتکار و جنایتکار همانا اتحاد همه همکاری همه فعالین سیاسی و گروه ها و سازمان ها ملی است، به همین جهت در ماه چون سال ۲۰۰۶ کنفرانسی با شرکت بیش از سیصد و پنجاه نفر مركب از شخصیت ها و فعالین سیاسی و نمایندگان گروه ها و سازمان های سیاسی از قبیل طرفداران رژیم پادشاهی، جمهوری خواهان، سوسیالیست ها، چپ های میانه رو، سازمان باتوان ایران، سازمان جوانان، جبهه ملی و پان ایرانیست خارج از کشور (جزء مجاهدین خلق و کمونیست های توده ای) تشکیل و باقی بیک هدف مشخص برآندازی حکومت جمهوری اسلامی و اعتقاد به برقراری حکومت سکولار مردم سالار بر پایه مفاداعلامیه حقوق بشر برای مستقیم مردم، حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، تعیین نوع نظام حکومتی بعداز جمهوری اسلامی از طرف ملت ایران، موجودیت کنگره همبستگی ایرانیان اعلام و بالانتخابات آزاد در حضور همه شرکت کنندگان، شورای نجات کنگره همبستگی ایرانیان مرکب از افراد منفرد و نمایندگان گروه های مختلف با افکار و عقاید سیاسی گوناگون شروع یکارکرد. چنین حرکتی که افرادی بالفکار و عقاید مختلف بخاطر نجات کشورشان زیر یک سقف جمع شده و دست اتحاد و همکاری بهم دیگر بدهندگی چنددهه گذشته بی سابقه و بسیار بالهمیت و برای من آرزو و کمال مطلوب بود. من با اعتقادیه نوع رژیم جمهوریت چون در مرحله اول هدف نجات کشور و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن است، پس تقابل از نجات ایران به هیچوجه نوع رژیم برایم مطرح نیست، بعد از نجات ایران هم اولاً به لحاظ وضع جغرافیائی و شرایط بحرانی منطقه و کامل و کافی نبودن آموزش سیاسی و اجتماعی جامعه، برقراری رژیم جمهوری را در شرایط فعلی توأم با خطراتی از جمله خطر تجزیه ایران می داشم، ثانیاً این اکثریت ملت ایران است که باید درجهت حفظ منافع و مصالح خود و کشورش در مورد تعیین نوع رژیم حکومتی تصمیم بگیرد، چون در حال حاضر نوع حکومت برای من مطرح نبود. پس من به راحتی می توانستم بادیگر هموندانم بالفکار و عقاید مختلف صمیمانه همکاری کنم.

اداءه دارد....

هشدار جدی به ملت ایران

آقای شاهزاده رضاپهلوی، دربودت‌شکیل کنگره همیستگی ایرانیان عده زیادی از طرفداران شما در کنگره حضور داشتند، با توجه به گفته‌ها و ادعاهای شماد ایرانیه اعتقادیه همکاری همه گروه‌های سیاسی بایکدیگر، انتظار این بود که افراد طرفدار ارزیم پادشاهی در پایداری و پیشرفت کنگره مستویت بیشتری را بخواهند و کنگره از حمایت معنوی شما برخوردار باشد، شوریختانه بعد از گذشت زمانی که هیچ‌گونه حمایتی از طرف شما از کنگره بعمل نیامده تدریج از طرف بعضی طرفداران شما کارشکنی واخلال در کارکنگره شروع و بالاخره عده‌ای از آن های خیال از کارانداختن کنگره بصورت انشعاب از کنگره خارج و درجهت موازی سازی و تضعیف یابرانداختن کنگره سازمانی تحت نام «جنیش نجات ایران» با رهبری شخصی باسابقه کموئیستی و مانوئیستی و کنفراسیونی به نام محمد جاسمی تشکیل گردید!!، آیا شاهزاده از سایه این شخص اطلاعی نداشتند؟، آیا از اعمال طرفدارانش و تشکیل چنین سازمانی بی خبر بودند؟! بهر حال طی پنج سال و نیم که من در کنگره همیستگی ایرانیان فعالیت دارم بخاطر حفظ مصالح کشور و میهمن و رعایت اصول و اساسنامه کنگره همیستگی ایرانیان، از تمام پشتیبانی هایی که از نظرات و پیشنهادات شما از طرف کنگره بعمل آمده من نه تنها مخالفت نکرده ام، بلکه به امیدیک در هزاره بتفع کشش و ملت آن را تائید نموده ام، من در تاریخ هفتم دسامبر ۲۰۱۱ نامه ای تحت عنوان «هشدار به ملت ایران» در سطح گسترده منتشر و به دفتر شما بوسیله ایمیل، فکس، پست سفارشی بارسید و به دفتر شهبانو فرح بای‌پیمیل فرستادم، ولی به این نتیجه رسیده ام که اگر نوشته و گفتاری حاوی حقایق تاخ باشد چون مطابق می‌دان نیست دفتر تران بعرضستان نمی‌رساند که مبادا باعث تکدر خاطر مبارک بشود، بنابراین من هم انتظار جوابی رانداشتم!

شما طی این چند دهه نشان داده اید که با فرد پایه کدامن و خوشنام و خدمت‌گزاران به آن مملکت مثل: دکتر شجاع الدین شفا، دکتر امیر اصلاح افشار، دکتر هوشنگ نهادنی، دکتر اسدالله نصر اصفهانی، مهدی سمعی، محمود فروغی، هلاکورامبیند، عبدالمجید مجیدی و امثال این هامیانه خوبی ندارید!!، و بیشتر ترجیح می‌دهید که طرف گفتگو و مشورت شما افرادی چون شهریار آهی، شاهین فاطمی، مهرداد خوانساری، اسماعیل نوری علا، محسن سازگار، بهروز یهودی، علیرضا نوریزاده، هومرا آبرامیان، عباس فخر آور، حسین خمینی (نوه خمینی)، اکبر گنجی و باشند، به همین علت هم تاکنون چندین عمل نادرست انجام شده: شما بر اهتمامی محسن سازگار (یکی از بانیان سپاه پاسداران و کارگزار فعلی جنبش سبز) طرح فراندوم را تائید فرمودید!

ادمه دارد....

هشدار جدی به ملت ایران

شما بارا هنمانی منوجهرگنجی و شهریار آهی طرح فدرالیزم را که مترادف با تجزیه ایران است تائید فرمودید! شما بدون قائل شدن تفاوت بین جنبش واقعی ملت ایران و دفاع از خون نداها و سهراپ ها، باعلم به اینکه جنبش سبز (موسوی، کروی، رفسنجانی، خاتمی) یک جنبش مذهبی و صدرصد معتقد به قای جمهوری اسلامی است که باسازش با غرب به راه افتاده، با پوشیدن لباس سبز و بدست کردن دستبندهای سبز تلویحاً آزگرو به اصطلاح اصلاح طلبان ویا مدعیان حکومت وقدرت و ثروت (موسوی، کروی، رفسنجانی، خاتمی) طرفداری نمودید!

حالاهم گویا در فکر تشکیل سازمانی به نام شورای ملی می باشد!، (علوم نیست با کدام افراد او گروه های خوشنام؟!)

آقای شاهزاده رضا پهلوی، اخیراً دو عمل بسیار نابجایی را نجام داده اید که مجبورم برای ثبت در تاریخ بنویسم:
یک - آیا برای یک شاهزاده ی نوه رضا شاه کبیر شایسته است که با یک فرد گمنام و جاعل بنام «له راسب زینالی» که خود را رهبر جنبش آذربایجان می خواند بایچان گرمی وصمیمیت دست بدهد و سرمیز پذیرانی به نشیند و با افتخار عکس بگیرد؛!، آیا این یکنون توهین به من ایرانی آذربایجانی نیست؟!

دو - اخیراً با رسال نامه ای به سازمان ملل متعدد و مصاحبه بارسانه های همگانی، دستگیری و محاکمه سیدعلی خامنه‌ی رهبر جمهوری اسلامی را خواستار شده اید. آیا زدی ها و خیانت ها و جنایت های نیکه طی سی و سه سال بوسیله آمران و حاکمان جمهوری اسلامی مخصوصاً از طرف موسوی، کروی، رفسنجانی و خاتمی مستقیم وغیرمستقیم بعمل آمده جنایت علیه پسریت محسوب نمی شود که شما آن همان نمی بردید؟!!.

آیا شما فکرمی فرماید که سازمان ملل متحده فرستادن یک هوایپما خامنه‌ی را دستگیر و مثل میلاس ویج به دادگاه کیفری بین المللی برای محاکمه و مجازات تسلیم خواهد کرد؛!، این عمل شما که فقط خامنه‌ی راجانی و ناقض حقوق بشر و قابل تعقیب و مجازات دانسته اید علاوه براینکه به نوعی آب تطهیر بر سر جانیان دیگر از قبل موسوی، کروی، رفسنجانی و خاتمی ریختن است، شایسته و مستمسکی باشد برای دخالت نظامی غرب در ایران، ولی غرب باید بداند که ایران، افغانستان و عراق و لیبی نیست، ملت ایران برای براندازی حکومت اهri‌یمنی جمهوری اسلامی احتیاج به حمایت معنوی و انسان دوستانه ملل و دول آزاده جهان دارد، اما به هیچ قیمتی حاضر به دخالت نظامی هیچ دولتی و لودر پوشش سازمان ملل نخواهد داشد.

من امیدوارم و یقین دارم که روزی یک قهرمانی مثل نادرشاه افشار ویا رضا شاه کبیر فردی از بطن جامعه ایرانی بپا خواهد خاست و بدست خود ملت ایران، ایران را زچنگال این خون آشامان و جنایتکاران و جنایتکاران به نام جمهوری اسلامی نجات خواهد داد.

چاویدبار ایران پایدار با ده میستگی ملت و یکپارچگی کشور ایران

پایان

هشدار جدی به ملت ایران

بعد از مدت کمی که گذشت و آخوندهایه تمام آن مملکت و ملت مسلط شدند، شروع به قتل و غارت و ازبین بردن آزادی های فردی و اجتماعی، حیثیت و اعتبار، تاریخ و تمدن یک ملت باستانی کردند، عملأ حمله ۱۴۰۰ سال قبل تازیان را بصورت حمله دوم شروع و تکمیل کردند!! در اثر این حمله تازیانه و وحشیانه در حدود سی و سه سال است که هفتادمیلیون نفرنفوس ایرانی را در داخل بصورت اسیر و چندین میلیون نفرراهم فراری و بصورت آواره در کشورهای خارج سرگردان کرده اند، بدون اغراق چنین فاجعه ای و چنین اسارت و آوارگی تاکنون در تاریخ هیچ ملتی رخ نداده.

آقای شاهزاده رضابهلهوی، من هم مثل میلیون ها ایرانی وطن ازدست داده، سی و سه سال است که درجهت نجات ایران و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن باهمه افراد و گروه های ملی همکاری داشتم، بدینخانه چون این حرکت هاهرکدام باداشتن مردم و راه و روش خاص خود بصورت فردی و جداگانه انجام می شد، جوابگوی تشکیل یک نیروی بزرگ ملی نبود، خودشماهم بارها اظهار نموده ایدکه برای نجات ایران همکاری و اتحاد همه گروه های ملی با یکدیگر لازم است، چون طی چند سال فعالیت سیاسی عده ای از اندیشمندان و رهبران فکری جامعه هم به این نتیجه رسیده بودند که تنها راه نجات ایران ازدست یک عدد افراد خیانتکار و جنایتکار همانا اتحاد همه کاری همه فعالین سیاسی و گروه ها و سازمان ها ملی است، به همین جهت در ماه چون سال ۲۰۰۶ کنفرانسی باشرکت بیش از سیصد و پنجاه نفر مرکب از شخصیت ها و فعالین سیاسی و نمایندگان گروه ها و سازمان های سیاسی از قبیل طرفداران رژیم پادشاهی، جمهوری خواهان، سوسیالیست ها، چپ های میانه رو، سازمان باتوان ایران، سازمان جوانان، جبهه ملی و پان ایرانیست خارج از کشور و (جزء مجاهدین خلق و کمونیست های توده ای) تشکیل و باقیول یک هدف مشخص براندازی حکومت جمهوری اسلامی و اعتقادیه برقراری حکومت سکولار مردم سالار بر پایه مقادی عالمیه حقوق شر برآرای مستقیم مردم، حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، تعیین نوع نظام حکومتی بعد از جمهوری اسلامی از طرف ملت ایران، موجودیت کنگره همبستگی ایرانیان اعلام و بالانتخابات آزاد در حضور همه شرکت کنندگان، شورای نجات کنگره همبستگی ایرانیان مرکب از افراد منفرد و نمایندگان گروه های مختلف با افکار و عقاید سیاسی گوناگون شروع نکار کرد. چنین حرکتی که افرادی بالفکار و عقاید مختلف با خاطر نجات کشورشان زیر یک سقف جمع شده و دست اتحاد و همکاری به مدیگر بدنه نظری چنددهه گذشته بی سابقه و سیار با اهمیت و برای من آرزو و کمال مطلوب بود. من با اعتقادیه نوع رژیم جمهوریت چون در مرحله اول هدف نجات کشوم و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن است، پس تا قیل از نجات ایران به هیچوجه نوع رژیم برایم مطرح نیست، بعد از نجات ایران هم اولاً به لحاظ وضع جغرافیائی و شرایط بحرانی منطقه و کامل و کافی نبودن آموزش سیاسی و اجتماعی جامعه، برقراری رژیم جمهوری را در شرایط فعلی تأمباخطراتی از جمله خطر تجزیه ایران می دام، تانيا آین اکثریت ملت ایران است که باید درجهت حفظ منافع و مصالح خود و کشورش در مورد تعیین نوع رژیم حکومتی تصمیم بگیرد، چون در حال حاضر نوع حکومت برای من مطرح نبود. پس من به راحتی می توانستم بادیگر هموندانم بالفکار و عقاید مختلف صیغمانه همکاری کنم.

ادامه دارد...